



Golestan University

Social Issues in Persian Literature

Volume 3(1), Winter 2025



Analysis of Socio-Political Insecurity in Sadi's *Golistan*

Gholamreza Sedigh Orei^{1*}, Nowruz Nimrozi Navokhi²

¹Assistant Professor, Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran,
Email: sedighouraee@gmail.com

²Assistant Professor, Department of Sociology, Golestan University, Gorgan, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Full Paper	Written in 1285, Said's <i>Golistan</i> belongs to didactic literature containing many invaluable contents in socio-political fields. The present study seeks to identify Sadi's views on the socio-political background of insecurity in <i>Golistan</i>. The study will draw on Parsons's theory of social system and Levi Struss's structural analysis. The study can be interpreted as exploratory since the subject of 'socio-political insecurity' has not been raised in previous studies. The study will analyze propositions in anecdotes in Sadi's <i>Golistan</i> to demonstrate Said's epistemological system about socio-political insecurity. Initially, situations will be identified and encoded. Then, all social acts reported in <i>Golistan</i> will be encoded based on agents and their counterparts. Afterwards, the aforementioned social acts will be classified based on codes. The current study is document-based and qualitative research. The study's results indicated that the sense of insecurity was felt in various social situations by courtiers, military staff, common people, civil servants operating in trade and the Royal system, and even beggars. Their insecurity could be attributed to the king or people around him, such as courtiers, military officers, agents, and princes.
Article history: Received: 2024-12-10 Accepted: 2025-2-20	
Keywords: Security Politics King Society Golistan Sadi	

Cite this article Sedigh Orei, Gh.R., Nimrozi Navokhi, N. (2025). The Analyses of North Analysis of Socio-Political Insecurity in Sadi's *Golistan*. *Social Issues in Persian Literature*, 3 (1), 15-24.



©The author(s)

Publisher: Goletsan University

Doi: 10.30488/SIPL.2025.502368.1077



تحلیل ناامنی اجتماعی و سیاسی در گلستان

غلامرضا صدیق اورعی^{۱*}، نوروز نیمروزی ناوخی^۲

^۱ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، رایانامه: sedighourae@gmail.com

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله کامل علمی	گلستان سعدی که قرن هفتم هجری قمری فراهم آمده، در شمار اندرزنامه‌هایی است که حاوی محتواهای ارزشمند زیادی در زمینه‌های مختلف از جمله اجتماعی و سیاسی است. هدف از انجام تحقیق حاضر، شناخت اندیشه سعدی، ادیب بزرگ ایران در زمینه ناامنی اجتماعی و سیاسی در گلستان سعدی است. چارچوب نظری مقاله حاضر متکی بر نظریه نظام اجتماعی پارسونز و تحلیل ساختاری لوی اشتراوس است و با توجه به اینکه در هیچ یک از آثار قبلی، موضوع «ناامنی اجتماعی و سیاسی» مطرح نشده است. نسبت به آثار قبلی، از نوع اکتشافی است. سوم، در این مقاله تلاش شده است، با تحلیل گزاره‌های حکایات سعدی، نظام معرفتی سعدی در زمینه ناامنی اجتماعی و سیاسی مشخص شود. در این پژوهش، ابتدا موقعیت‌ها شناسایی و کدگذاری شدند و سپس کلیه عمل‌های اجتماعی گزارش شده در گلستان براساس عامل و طرف مقابل او کدگذاری گردید و بعد از این گام، عمل‌های اجتماعی یاد شده براساس «کُد» آن دسته‌بندی شد. بنابراین، تحقیق حاضر از نوع اسنادی و از نوع تحقیقات کیفی است. نتیجه این مطالعه نشان داد که ناامنی برای موقعیت‌های مختلف در جامعه مانند درباریان، لشکریان، مردم، افراد شاغل در بخش‌های مختلف درباری یا تجاری که با پادشاه در ارتباط هستند و یا حتی گدایان وجود دارد که ممکن است از طرف پادشاه یا متعلقان او مانند وزیر و دیگر درباریان، لشکریان و مأموران و یا شاهزاده باشد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲	
واژه‌های کلیدی: امنیت سیاست پادشاه جامعه گلستان سعدی	
استناد: صدیق اورعی، غلامرضا؛ نیمروزی ناوخی، نوروز. (۱۴۰۳). تحلیل ناامنی اجتماعی و سیاسی در گلستان. نشریه: اجتماعیات در ادب فارسی، ۳ (۱)، ۲۴-۱۵.	
ناشر: دانشگاه گلستان © نویسندگان.	Doi: 10.30488/SIPL.2025.502368.1077



بیان مسأله

آثار فرهنگی هر جامعه در هر دوره‌ای، ارتباطی تنگاتنگ با نظام اجتماعی و فرهنگ آن دوره دارد؛ هر چند از منظرهای گوناگون، گاهی تماماً تحت تأثیر و گاهی مؤثر و گاهی دارای هر دو بعد یاد شده است. در کنار عمومیت این امر برخی آثار فرهنگی وضعیت ممتاز و ویژه‌ای دارند و مؤثرتر از بقیه و ماندگارتر از آثار دیگر هستند. کتاب *گلستان* سعدی که قرن هفتم ه.ق. فراهم آمده است، می‌تواند در شمار اندرزنامه‌های سیاسی مانند *سیاست‌نامه* خواجه نظام‌الملک و *نصیحه‌الملوک* غزالی به شمار آید؛ هر چند که باب اول آن به طور خالص چنین است و در باب‌های دیگر با قشرهای دیگر جامعه سخن می‌گوید ولی در این باب‌ها نیز قدرتمندان سیاسی حضور دارند.

«سنت اندرزنامه‌نویسی یا سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی به علت بهره‌مندی از ذخایر باستانی و تداوم آن در مملکت‌داری ایران میانه و جدید رویکردی واقع‌گرا و پدیداری به ساختارها دارد و با مکانیزم‌های پیچیده‌ای راه‌حل‌های استراتژیک برای آن‌ها عرضه می‌کند. یکی از سیاست‌نامه‌نویسان معتدل، مصلحت‌اندیش و واقع‌گرای اندیشه ایران در زمانه‌ای بحران‌زده سعدی است. سعدی در *گلستان* خویش سیاست را به مثابه تدبیر ساخت‌های روزمره مورد تحلیل قرار داده است. او سیاست را به مثابه به کار بردن تکنیک‌های عملی پدیدار می‌سازد (اسلامی، ۱۳۹۷).

حکومت یکی از مفاهیم نزدیک به سیاست است و شامل آن دسته از موقعیت‌های اجتماعی است که ملازم یا حکمرانی است و به طور معمول مجموعاً به صورت سازمان‌های وسیعی که اعمال حاکمیت را محقق می‌سازند ظاهر می‌شود. حکومت در دوره زمانی مورد بررسی در این تحقیق، حکومت استبدادی بوده که از موقعیت‌های اجتماعی شاه، ولی‌عهد، صدراعظم، وزیر، فرماندهان لشکر، ندیمان، خادمان و ... تشکیل می‌شده است. موضع مردم نسبت به حکومت عبارت است از باورهای مردم درباره حکومت و عاطفه (مثبت و منفی یا خنثی) آنان نسبت به آن و آمادگی بالفعل و اقدام‌گرایانه آنان نسبت به حکومت و ارکان آن. موضع مردم نسبت به حکومت با توجه به ویژگی استبدادی آن و «فونکسیون» اصلی حکومت‌های آن زمان که عمدتاً امنیتی بوده است و نیز تفاوت رفتار نسل‌های متفاوت باقیمانده از آن دوره منعکس است که یکی از نمونه‌های آن در *گلستان* سعدی نمایش داده شده است (صدیق اورعی و قاسم‌زاده، ۱۳۷۵).

«*گلستان* سعدی از جمله شاهکارهای بی‌بدیل فارسی است که شهرتش در طول قرن‌ها ادبیات جهان را درنور دیده است. آموزه‌های ادبیات سیاسی *گلستان* آنچنان به کام ادیبان و روشنفکران اروپایی و به ویژه فرانسویان خوش آمده بود که بارها به ترجمه آن دست بردند و به تقلید از آن، داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها ساختند. هم‌ازاین رو، امرسون، شاعر آمریکایی، سعدی را شاعر دوستی، عشق، ایثار و صفا می‌نامد و حکمت عملی و عواطف اخلاقی او را می‌ستاید؛ هرذر، شاعر آلمانی، از سعدی به عنوان معلم مطبوع اخلاقیات نام می‌برد و هامرپورگشتال، ادیب اتریشی از مانوس بودن نبوغ سعدی برای جهان غرب سخن می‌راند. در این میان، باب نخست *گلستان*: در سیرت پادشاهان و مضامین مشابه آن، بیش از دیگر ابواب مورد توجه آن‌ها قرار می‌گیرد. نکته بارز این باب، اخلاق‌مداری در سیاست و آیین کشورداری است و به مسئولیت‌پذیری حاکم در برابر حکومت و مردم می‌پردازد. این گونه از ادبیات سیاسی - تعلیمی، نیاز روز غرب بود و در ایران نیز طرفداران و پیروان بسیار یافت. نتیجه این تتبع آفرینش آثاری همسان با *گلستان* بود» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸). همانطور که محققان نیز در اثر خود ذکر کرده‌اند، *گلستان* به عنوان متن ادبی بازتاب‌دهنده مسائل فرهنگی مختلف، از زیباشناسی تا سیاست و دین، می‌تواند بستری مناسب در تحلیل نشانه‌شناسانه شیوه‌های معناسازی سعدی در بیان این مسائل باشد (طایفی و سهرابی، ۱۴۰۰: ۲۸۵).

نکته ممتاز *گلستان* سعدی در مقایسه با *سیاست‌نامه* و *نصیحه‌الملوک*، گزارش واقعیت‌های سیاسی زمانه است و فقط به بایسته‌ها و توصیه‌ها نمی‌پردازد، بلکه از گزارش هست‌ها آغاز می‌کند و باید‌ها را ارائه می‌دهد و به اتکای این هست‌ها و باید‌ها می‌توان نظام سیاسی آن دوره را درک کرد و کارکردها و ضد کارکردها در نظام را شناخت. همچنین با تأمل چندین ساله در *گلستان* سعدی و تدریس آن در درس «جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی» و نیز انجام دادن پژوهشی با عنوان «بررسی موضع تاریخی مردم نسبت به ارکان حکومت در شش اثر ادبی» (صدیق اورعی و قاسم‌زاده، ۱۳۷۵) این‌انگیزه ایجاد شد که ناامنی نظام سیاسی به روایت *گلستان* سعدی استخراج شود.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

مقالات زیادی در موضوعات گلستان و بوستان سعدی نوشته شده است. با توجه به گستردگی و تنوع اثرات انجام‌شده، محقق در اینجا به معرفی اثراتی پرداخته است که هم ارتباط موضوعی نزدیک با مقاله حاضر دارند و هم از نظر زمانی جدیدترند.

طایفی و سهرابی (۱۴۰۰) در اثر خود به دنبال تحلیل نشانه‌شناسانه شیوه‌های معناسازی سعدی در بیان کارکرد آشوب در نظم، به بررسی حکایات باب اول گلستان بر مبنای آرای لوتمان، نشانه‌شناس فرهنگی و کلنکنبرگ درباره ناامنی نشانه‌ای همت گمارده‌اند. این باب که تصویرگر چگونگی ارتباط شاه با زیردستان است، بر تقابل میان درویش و جایگاه‌های اجتماعی دیگر تکیه دارد که به‌عنوان بزرگ‌ترین تقابلی که سعدی از طریق آن، مفاهیم فرهنگی مختلفی را بیان می‌کند، پیوندی عمیق با دو مفهوم آشوب و نظم می‌یابد و تحلیل آن با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی لوتمان می‌تواند شیوه اصلی سعدی در معناسازی روشن کند. تقابل آشوب و نظم، ریشه در ناامنی نشانه‌ای در فرایند ارتباط نیز دارد که مسئله‌ای جدانشدنی از گفتمان قدرت است. در فرایند ارتباط شاه و زیردستان به عنوان نموداری از روابط قدرت، همواره شاهد آشفتن نظم گفتمان قدرت سیاسی هستیم که تحلیل این فرایند، بیانگر بروز آشوب در نظم به دو شیوه مختلف است که درواقع روش اصلی سعدی برای معناسازی در این باب از گلستان است. آشوب از ناحیه زیردستان بر نظم سیاسی فضای روایت غلبه دارد اما در برابر نظم سیاسی به عنوان گفتمانی بیرون از فضای روایت مغلوب می‌شود. از طرفی، آشوب از ناحیه درویش به عنوان قشری از زیردستان با گفتمانی ویژه، هم نظم سیاسی فضای روایت و هم نظم سیاسی بیرون از آن را از هم می‌پاشد. با وجود این، اگر مفهوم قدرت وسیع‌تر از قلمرو نظم سیاسی باشد، رفتار درویش نه تنها نظم سیاسی بیرون از فضای روایت را نمی‌آشوبد؛ بلکه در فضای روایت نیز آشوب تلقی نمی‌شود.

امیدبخش و امیرجلالی (۱۴۰۰) در مقاله خود به بررسی آراء سیاسی سعدی درباره ارتباط میان شاه و رعیت، براساس تمامی آثار وی (بوستان، گلستان، قصاید، قطعات، رسائل و غزلیات) و رابطه آثار او با نفی یا تثبیت «قدرت» از منظر «تاریخ‌گرایی نو» پرداخته‌اند. در این مقاله نسبت آثار سعدی با «قدرت» ذیل دو دوره سیاسی بررسی شده است: ۱. دوره سوم حیات سعدی (عصر اتابکان فارس) ۲. دوره چهارم حیات او (عصر پس از اتابکان و چیرگی حاکمان مغول). نگارش رساله نصیحه‌الملوک، آغازیدن بوستان با دو باب «عدل» و «احسان» (که همسو با متون نظری در سیاست مژدن است) و قراردادن باب «در سیرت پادشاهان» به عنوان نخستین باب گلستان، نشان‌دهنده میزان اهمیت تبیین و اصلاح نوع رابطه شاه و رعیت (شیوه حکومت و کشورداری) از دید سعدی است. سعدی ایجاد سه رکن «رفاه»، «امنیت» و «آرامش» را مهمترین وظایف یک حکومت در قبال مردم می‌داند. نفی انگاره ظل‌اللهی، عبور از تمثیل‌های رایج «شبان-گوسفند» به «سر-بدن» و «درخت-ریشه»، و قرائت متفاوت و گاه معکوس (در قبال خوانش رایج) از مناسبات شاه و رعیت، بیانگر تفاوت دیدگاه‌های سیاسی سعدی نسبت به خوانش‌های مشهور و ترویج‌یافته از این رابطه در روزگار اوست. قرائت سیاسی اروپائیان از آثار سعدی نیز مؤید قابلیت‌های سیاسی آثار وی است.

قاسمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «فهم مسأله اصلی اندیشه سیاسی سعدی»، به این نتیجه رسیده که با توجه به روش فهم اسکینر و توجه به متون و زمینه‌های عملی و نظری زمانه سعدی، مهم‌ترین مسئله در افکار و اندیشه او عدالت اجتماعی و سیاسی است.

در مقاله دهانی و مرادی (۱۳۹۸) نویسندگان به نهادهای سیاسی، رفتار حاکمان و عاملان، جنگ و صلح و بخشش‌ها و مجازات‌ها پرداخته و صاحبان اقتدار، به حسن سیاست و دادگری و رعیت‌پروری دعوت شده‌اند.

مقاله صدیق اورعی و اسکافی نوغانی (۱۳۹۵) با عنوان «چگونگی گزارش ناامنی سیاسی به شاه در گلستان سعدی» در قالب تحلیل ساختاری با استفاده از ادغام مستقیم در مجموعه‌ها و بر پایه نظام اجتماعی پارسونز بنا شده است. در این مقاله، حکایت‌های باب اول تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان داد که سعدی با استفاده از حکایت و گفتار نرم و شیرین که، در قالب موقعیت‌ها و شخصیت‌های مختلف داستان، در تنوعی از کنش‌های متقابل با یکدیگر طراحی کرده است، تلاش کرده است شاهان را به انتقاد بکشد و وضعیت جامعه و ناامنی شدید مربوط به افشار مختلف رعیت و سپاهیان و سقوط حکومت

ناشی از این ناامنی را به شاه گوشزد نماید. وی با استفاده از، فرایند مرحله‌ای بسیار ظریف و زیرکانه توانسته است به این هدف برسد.

حکیم و ناظمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مفاهیم سیاسی در اندیشه و آثار سعدی شیرازی»، به دنبال کشف رابطه متقابل و ارگانیک ادبیات و سیاست و همچنین بازتاب مفاهیم سیاسی در آثار سعدی است. بنابراین با طرح این سؤال که نقش و جایگاه سعدی، در ادبیات سیاسی ایران و تأثیر آن بر حاکمان و حکومت‌های عصر خود چه بوده است؟ و در پاسخگویی به آن و نیل به نتایج پژوهش، فرضیه زیر ارائه شده است. سعدی در حوزه ادبیات ایران زمین تأثیری ژرف بر کنترل و هدایت سیاسی حاکمان و حکومت عصر خود داشته است و آثار و واکنش‌های وی نقش مؤثری در هدایت اوضاع و سامان سیاسی آن داشته است.

این مقاله نسبت به آثار قبلی دارای مزایای زیر است:

اول، در این مقاله، تحلیل وضعیت ناامنی سیاسی براساس نظریه نظام اجتماعی پارسونز و تحلیل ساختاری لوی اشتراوس انجام شده است.

دوم، در هیچ یک از آثار قبلی، موضوع «ناامنی سیاسی» مطرح نشده است. بنابراین این مقاله نسبت به آثار قبلی، از نوع اکتشافی است.

سوم، در این مقاله تلاش شده است، با تحلیل گزاره‌های حکایات سعدی، نظام معرفتی سعدی در زمینه ناامنی سیاسی مشخص شود.

مبانی نظری و روش تحقیق

۱- با اتکا به چارچوب نظری نظام اجتماعی که پارسونز ارائه کرده است، نظام سیاسی از موقعیت‌های سیاسی و نقش و پایگاه مربوط به آن حاصل می‌شود و عمل و تعامل جلوه آن است. بنابراین اگر عمل اجتماعی هر موقعیت سیاسی نسبت به سایر موقعیت‌ها را به‌طور جامع استخراج کنیم، از مجموع آن‌ها موقعیت‌ها، نقش‌ها و پایگاه‌ها بدست می‌آید و می‌توان گزارشی از نظام سیاسی را ارائه داد.

۲- اگر از موقعیت معینی نسبت به موقعیت معین دیگری عمل اجتماعی مشخصی یکبار گزارش شود این‌وقوع، حاکی از امکان ساختاری است و همانطور که لوی استروس با الهام از زبان‌شناختی ساختاری در تحلیل ساختاری واقعیت‌های اجتماعی با تفکیک روابط همنشینی و جانشینی‌های آن به درکی از ساختار نظام نایل شد، ما می‌توانیم با تنظیم عمل‌های گوناگون و یافتن جانشینی‌ها و همنشینی‌های آن، به نظام سیاسی روایت شده در گلستان سعدی و آثار آن پی ببریم.

روش کار در این پژوهش دارای مراحل است: ابتدا موقعیت‌ها شناسایی و کدگذاری شدند و سپس کلیه عمل‌های اجتماعی گزارش شده در گلستان براساس عامل و طرف مقابل او کدگذاری گردید و بعد از این گام، عمل‌های اجتماعی یاد شده براساس «کُد» آن دسته‌بندی شدند. سه مرحله یادشده را می‌توان مرحله جمع‌آوری اطلاعات نامید و پس از آن براساس دو اصل راهنما که در سطور پیشین بیان شد، به تحلیل و تبیین اطلاعات اقدام گردید که نتایج آن ارائه می‌شود.

ویژگی‌های عمده نظام سیاسی به روایت گلستان سعدی

موضوع «ناامنی در گلستان» را می‌توان بر اساس انواع ناامنی در موقعیت‌ها و نقش‌های مختلف در حکایات گلستان مشاهده نمود که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

الف- ناامنی و ناپایداری مردم

اولین و مهم‌ترین ویژگی نظام سیاسی در گلستان سعدی، ناپایداری و ناامنی آن است. قدرت با شمشیر به دست می‌آمد و البته رؤسای ایل‌های بزرگ در وضعیتی معین توانایی بسیج نظامی ایل را داشتند و بدین‌وسیله قدرت را به دست می‌آوردند و یا اگر کسی می‌توانست از مردم شهر و روستا جمعیتی فراوان گرد هم آورد و بسیج کند، احتمالاً قدرت را به دست می‌آورد.

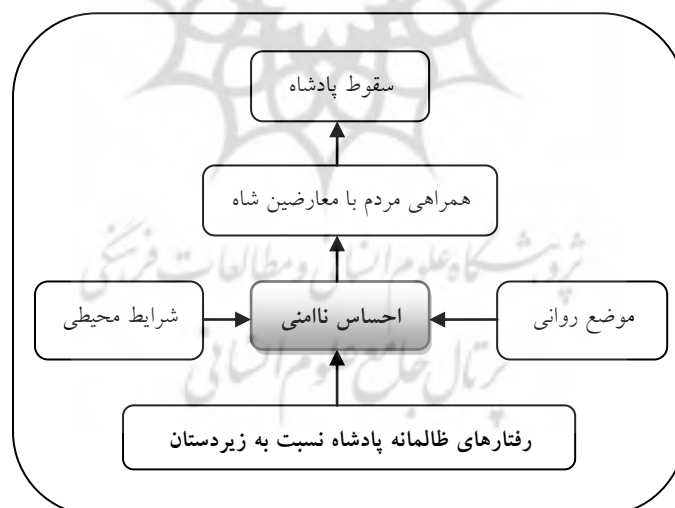
قدرت شاه به معنی دقیق موروثی نبود و یک سنت محکم، تعیین‌کننده شخص شاه نبود لذا زور شمشیر و سپاهیان تعیین‌کننده بودند. در این وضعیت شاه مسلط هر آن در خطر احتمالی حمله مهاجمین بود که از بیرون کاخ و دربار و شهر بر او حمله آورند (صدیق اورعی و اسکافی نوغانی، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۱- «یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دستِ تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده. تا به جایی که خلق از مکایدِ فعلش به جهان برفتند و از کُربتِ جورش راهِ غربت گرفتند. چون رعیت کم شد، ارتفاعِ ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند.

هر که فریادرسِ روز مصیبت خواهد
گو در ایامِ سلامت به جوانمردی کوش
بنده حلقه‌به‌گوش آر ننوازی برود
لطف کن لطف، که بیگانه شود حلقه‌به‌گوش

باری، به مجلس او در، کتاب شاهنامه همی‌خواندند در زوالِ مملکتِ ضحاک و عهدِ فریدون. وزیر ملک را پرسید: هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و ملک و حشم نداشت چگونه برو مملکت مقرر گردید؟ گفت: آنچنانکه شنیدی خلقی برو به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت. (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۶).

در این حکایت، موضع کاملاً منفی مردم نسبت به پادشاه مورد بحث، ترسیم شده است. تعبیر «تطاول مال رعیت»، «جور و اذیت»، «مکاره فعلش»، «کربت جورش»، «راه غربت گرفتند»، «به جان آمده بودند» همگی حاکی از موضع به شدت منفی است. همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد، در شرایط محیطی مناسب، مردم برای سقوط پادشاه با معارضین او همراهی کردند و شاه سقوط کرد.



۲- «شنیدم که ملک را در آن قرب دشمنی صعب روی نمود. چون لشکر از هر دو طرف روی در هم‌آوردند ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۰).

«سواری از در درآمد و بشارت داد که فلان قلعه را به دولت خداوند گشادیم و دشمنان اسیر آمدند و سپاه ورعیت آن طرف جملگی مطیع فرمان گشتند» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۰).

«یکی از ملوک عرب که به بی انصافی منسوب بود اتفاقاً به زیارت آمد ... آنکه مرا گفت ... از دشمنی صعب اندیشناکم ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۱). اگر محتوای حکایت ۶ را در درک بهتر حکایت ۱۰ قرینه بگیریم پادشاه مورد بحث با رعیت بدرفتاری کرده است و مردم از او ناراضی‌اند و دشمن سرسختی به او روی آورده است که به قرینه حکایت ۶ عوامل یادشده موجب

سقوط شاه می شود و پادشاه با توجه به احتمال وقوع چنین امری به زیارت تربت حضرت یحیی (ع) رفته و از درویشان معتکف در آنجا نیز التماس دعا دارد و سعدی راه حل مشککش را «تغییر رفتار نسبت به مردم» اعلام می کند»

«... لاجرم دشمنی صعب روی نهاد ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۶).

علاوه بر این خویشاوندان شاه نیز ممکن بود هوس شاهی کنند و ادعا کنند که حکومت اجدادی در نسل های بعد باید به آنها می رسیده است و شورش کنند:

۳- «بسی بر نیامد که بنی عم سلطان به منازعت خاستند و ملک پدر خواستند. قومی که از دست تناول او به جان آمده بودند و پریشان شده، بر ایشان گرد آمدند و تقویت کردند ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۷).

«ملک سر و چشمش ببوسید و در کنار گرفت و هر روز نظر بیش کرد تا ولیعهد خویش کرد. برادران حسد بردند و زهر در طعماش کردند ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۱).

این امر واقعیتهای تاریخی نیز هست و به همین دلیل بود که پس از مرگ هر پادشاه، شاه بعدی تمام مردانی که خویشاوند نزدیک شاه بودند مانند برادر و عموی جوان و مثل اینها را می کشت که از شورش آنها پیشگیری کند و شاهان صفوی که از قتل مردان خویشاوند ابا کردند به کور کردن آنها اقدام کردند که توانایی سوارکاری و شمشیرزنی را از آنها سلب کرده باشند. شاردن در سفرنامه خود از دهها شاهزاده صفوی که کور شده بودند سخن گفته است.

ب- ناپایداری و ناامنی وضع درباریان

۱- یکی از رفیقان شکایت روزگار نامساعد به نزد من آورد که کفاف اندک دارم و عیال بسیار ... و در علم محاسبه چنانکه معلوم است چیزی دادم و گر به جاه شما جهتی معین شود که موجب جمعیت خاطر باشد ... گفتیم: عمل پادشاه ای برادر دو طرف دارد: امید و بیم یعنی امید نان و بیم جان و خلاف رأی خردمندان باشد بدان امید متعرض این بیم شدن ... گفت این مناسب حال من نگفتی ... هر که خیانت ورزد پشتش از حساب بلرزد ... آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است ... گفتیم حکایت آن روباه مناسب حال تست که دیدندش گریزان ... گفتا شنیده ام که شتر را به سخره می گیرند. گفت ای سفیه شتر را با تو چه مناسبت است و ترا بدو چه شباهت؟! گفت خاموش که اگر حسودان به غرض گویند شتر است و گرفتار آیم که غم تخلیص من دارد تا تفتیش حال من کند. ترا همچنین فضل است و دیانت ... اگر آنچه حسن سیرت تست به خلاف آن تقریر کنند و در معرض خطاب پادشاه افتی ... پس مصلحت آن ببینم که ملک قناعت را حراست کنی و ترک ریاست گویی ... به نزدیک صاحب دیوان رفتم ... تا بکاری مختصرش نصب کردند ... نجم سعادتش در ترقی بود تا به اوج ارادت برسید ... چون از زیارت مکه باز آمدم ... دیدم پریشان و در هیأت درویشان ... گفت ... طایفه ای حسد بردند و به خیانت منسوب کردند و ملک در کشف حقیقت آن استقصاء فرمود و یاران قدیم ... از کلمه حق خاموش شدند .. فی الجمله به انواع عقوبت گرفتار بودم تا ... از بند گرانم خلاص کرد ... گفتیم آن نوبت اشارت من قبولت نیامد که گفتیم عمل پادشاهان چون سفر در ریاست خطرناک و سودمند یا گنج برگیری و یا در طلسم بمیری ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۹). در این حکایت، آنجا که سعدی در پاسخ دوست خود می گوید: روباه پریشان گریزان بود، زیرا شنیده بود شتر را به سخره می گیرند. تا به اوج ارادت برسید و مقرب حضرت و مشارالیه گشت، درواقع این فرض او را رد می کند که آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است، همان موضع منفی نسبت به کار دیوانی و نزدیکی به شاه را بیان می کند ولی شدیداً منفی نیست و عدم استقصاء شاه درباره تهمت و امر به زندان افکندن متهم در آن آمده است نه بیشتر و به قول حکماء استناد شده است، این حکایت هم زبان عمومیت دارد و قاعده ای کلی را بیان می کند. یادآوری می شود این وضعیت در چندین حکایت گلستان تکرار شده است مثلاً در حکایت ۸ از باب اول که هرمز وزیران پدر را بدون خطا و فقط به خاطر احساس ترس آنها از هرمز، هلاک کرد.

د- ناامنی مشاغل درباری و تجارت

سعدی در مجموع توصیه می کند که شغل درباری یا عمل سلطان را رها کنند چون در قبال امید نان، بیم جان دارد؛ یا زر بیاید و یا سر برود و همچون سفر دریا پر خطر است و نیز توصیه می کند تجارت را رها کنند چون کاری است پرخطر و راهها

نامن است و حرامی در کمین و اگر مال التجاره‌ای از خطر دزدان برهد پادشاهان در آن طمع کنند و نصیب صاحبش نمی‌شود.

۱- «حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر، هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر به محلّ خطرست؛ یا دزد به یکبار ببرد یا خواجه به تفاریق بخورد. اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و اگر هنرمند از دولت بیفتد غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است. هر جا که رود قدر بیند و بر صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چپند و سختی بیند» (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۴۲).

۲- «کاروانی در زمین یونان بزدند و نعمت بی‌قیاس بردند» (سعدی، ۱۳۸۵: ۹۶).
در این حکایت نسبت به حکومت‌ها و به طور مشخص نسبت به پادشاهان موضع منفی ابراز شده است: «هرکه آمد برو مزیدی کرد» که به طور عام ظلم و تداوم بنای آن و قوت آن را به همه پادشاهان نسبت داده است. و نیز زمان حال را دربرگرفته که اوج ظلم دانسته شده است: «تا بدین غایت رسیده»

ه- ناامنی و ناپایداری مردم از لشکریان شاه

۱- اگر ز باغ رعیت، ملک خورد سببی برآورد غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان، ستم روا دارد زنده لشکریان، هزار مرغ به سیخ (سعدی، ۱۳۸۵: ۴۶).
در این متن نیز با توجه به عبارت بالا، نسبت به لشکریان موضع منفی وجود دارد. در ارتباط مأموران حکومت با مردم نیز در حکایات ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ باب اول گلستان نیز موضع منفی مردم نسبت به مأموران ابراز شده است.

و- ناامنی گدایان از شاه

۲- «گدایی هول را حکایت کنند که نعمتی وافر اندوخته بود. یکی از پادشاهان گفتش همی نمایند که مال بیکران داری و ما را مهمی هست، اگر به برخی از آن دستگیری کنی چون ارتفاع رسد وفا کرده شود و شکر گفته ... شنیدم که سر از فرمان ملک باز زد ... بفرمود تا مضمون خطاب از او به زجر و توبیخ مستخلص کردند» (سعدی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). این حکایت نیز به وضوح نشان‌دهنده ظلم پادشاهان نسبت به گدایان است.

ز- موضع منفی حکما نسبت به شاهان

شاهان به روایت گلستان پیرو هنجارها نبوده‌اند و در نتیجه رفتارشان پیش‌بینی ناپذیر بوده است.
۱- «یکی از ملوک را شنیدم که شبی در عشرت روز کرده بود ... درویشی به سرما برون خفته بود و گفت ... ملک را خوش آمد صرّهای هزار دینار از روزن برون داشت ... درویش مر آن نقد و جنس را به اندک زمان بخورد و پریشان کرد و باز آمد. در حالتی که ملک را پروای او نبود حال بگفتند بهم برآمد و روی ازو درهم کشید و زین جا گفته‌اند ... که از حدّت و سورت پادشاهان بر حذر باید بودن ...» (سعدی، ۱۳۸۵: ۳۴).
۳- «و حکما گفته‌اند: از تلون طبع پادشاهان برحذر بایدبودن که وقتی به سلامی برنجند و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند ...» (ح ۱۵). در این متن با توجه به عبارت «از تلون پادشاهان برحذر باید بودن» موضع حکما نسبت به پادشاه منفی است. که البته مردم نیز که پیرو حکما و درویشان بوده‌اند این موضع را داشته‌اند و محدود به زمان و مکان و شخصی نیست و از قیدهای بی‌انصاف، دست تطاول گشود، سستی کرد، به سختی داشت و ... استفاده نشده است بنابراین موضع نسبت به همه شاهان است خصوصاً که از باب حکما و درویشان نقل شده است که حالت جمع‌بندی و قانونمندی را بیان کند.

ح- رواج تهمت و سعایت در دربار

در منصب‌های سیاسی موروثی و سنتی، کسانی که جایگاه انتسابی ندارند چون می‌دانند که در نظام کاملاً سنتی امکان ندارد آنها صاحب چنین جایگاهی شوند، آن منصب را دست نیافتنی تلقی می‌کنند و در آن طمع نمی‌ورزند. اگر منصب‌های سیاسی کاملاً اکتسابی باشد و براساس شایستگی‌های آموختنی و قابل‌پرورش به افراد واگذار گردد و واگذاری آن منوط به احراز شایستگی‌های یاد شده در یک آزمون قابل رقابت باشد، امکان ستیزه بر آن مناصب بسیار اندک می‌شود و طمع در آنها

رواج نمی‌یابد، بلکه فقط آنان که آمادگی رقابت خالص در کسب مهارت‌های برتر را دارند میل به آن را در دل می‌پروراندند. اما اگر منصب‌های درباری نه اکتسابی باشد و نه انتصابی باشد بلکه انتصابی باشد و نصب‌کننده تحت تأثیر ملاک‌های عاطفی، منصب‌ها را واگذار کند هوس دستیابی به آن منصب‌ها در دل بسیاری از افراد می‌روید. اگر این منصب‌های انتصابی اندک باشند هوس دستیابی به آنها طمع در منصب صاحب منصبان است که از او گرفته شود و بر این استوار آید. وقتی منصب‌های درباری اندک باشد و دستیابی به آن صرفاً به میل قدرتمندی وابسته باشد کافی است نظر او نسبت به صاحب منصب کنونی تغییر کند تا او را عزل کند و دیگری را نصب کند و برای تغییر نظر قدرتمند نصب‌کننده، می‌توان به صاحب منصب کنونی تهمت زد و نسبت به او ناسزا گفت. این طمع و نیز حسد و به‌دنبال آن سعایت و تهمت در نظام سیاسی که سعدی روایت می‌کند بسیار رایج بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی موضع‌ها در توضیح ناامنی در گلستان نشان داد که ناامنی برای موقعیت‌های مختلف در جامعه مانند درباریان، لشکریان، مردم، افراد شاغل در بخش‌های مختلف درباری یا تجاری که با پادشاه در ارتباط هستند و یا حتی گدایان وجود دارد که ممکن است از طرف پادشاه یا متعلقان او مانند وزیر و دیگر درباریان، لشکریان و مأموران و یا شاهزاده باشد. در باب اول گلستان وزیران به دو دسته تقسیم شده‌اند که نسبت به یک دسته موضع منفی (حکایت ۱، ۲۰، ۲۳) و نسبت به دسته دیگر موضع مثبت (حکایت ۱، ۶، ۱۳، ۱۵) ابراز شده است. در مجموع مواردی که نسبت به وزیر «موضع مثبت» ابراز شده است بیش از مواردی است که نسبت به وزیر «موضع منفی» ابراز شده است. در ارتباط با مأموران حکومت در حکایات ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۱ نسبت به آنها «موضع منفی» ابراز شده است. در ارتباط مأموران حکومت با همکاران خود «موضع منفی» (در حکایت ۵) و «موضع مثبت» (در حکایات ۱۶، ۲۴) و در ارتباط مأموران حکومت با رئیس حکومت ابراز موضع مثبت و منفی نسبت به بعضی، ابراز شده است. در مجموع، موضع روانی مردم نسبت به مأموران حکومت منفی ابراز شده است. و نیز شغل حکومتی، ذلت و اطاعت و معاوضه بیم جان با امید نان شمرده است و مردم از اشتغال به آن نهی شده‌اند. در گلستان سعدی در مجموع ۲۶ موضع نسبت به پادشاه وجود دارد که ۲۴ موضع منفی است و تنها دو موضع مثبت نسبت به شاه وجود دارد. از ۹ موضع موجود نسبت به وزیر، ۴ موضع منفی و ۵ موضع مثبت است. موضع‌های موجود نسبت به شاهزاده، حاکم، درباریان و لشکریان منفی است. براساس مندرجات گلستان، اغلب پادشاهان ظلم روا می‌دارند و سعدی شاه را به رحمت بر رعیت می‌خواند (گلستان باب اول حکایت ۱۰) و پادشاهان را از ظلم و عواقب آن بر حذر می‌دارد. زمینه‌ها و ریشه‌های عقیده سعدی در این باره را می‌توان چنین دانست:

- ۱- سعدی جامعه زمان خود را دچار ناامنی می‌دانسته است.
- ۲- ریشه ناامنی در نبودن قواعد مشخص و رعایت آنها توسط حکام بوده است.
- ۳- ندیمان قشری بوده‌اند که همیشه مطابق میل شاه سخن می‌گفته‌اند و اگر گاهی غیر از این می‌شده است اغلب دچار غضب شاه می‌شده‌اند.

منابع

- ۰ اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۷). *سیاست‌نامه سعدی*، تهران: تیسرا.
- ۰ امیدبخش، علیرضا؛ امیرجلالی، محمد (۱۴۰۰). «بررسی رابطه "خداایگان و رعیت" در آراء سیاسی سعدی از منظر تاریخ‌گرایی نو»، *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال ۱۲، شماره ۲: ۹۱ - ۱۲۴.

- 0 حکیم، محمدعلی؛ ناظمی، علی (۱۳۹۴). «بازتاب مفاهیم سیاسی در اندیشه و آثار سعدی شیرازی»، *مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی*، ۶-۴ شهریور ۱۳۹۴: ۸۷۹-۸۶۶.
- 0 دهانی، مجیب‌الرحمن؛ مرادی، محمد (۱۳۹۸). «آیین سیاست در اندیشه سیاسی سعدی علیه رحمه»، *پژوهشنامه اورمزد*، شماره ۴۸: ۱۶۰ - ۱۷۸.
- 0 رحیمی، مهدی و خواجه‌ایم، احمد و نگاریان، اعظم (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی ادبیات سیاسی در گلستان سعدی، بهارستان جامی و پریشان قانی»، *دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ*. 2-26.
- 0 سعدی، مصلح بن عبدالله بن مشرف (۱۳۸۵)، *گلستان سعدی*، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات علمی، چاپ پنجم.
- 0 صدیق اورعی، غلامرضا و قاسم‌زاده، مرضیه (۱۳۷۵). *موضع تاریخی مردم ایران نسبت به ارکان حکومت*، طرح پژوهشی، کارفرما: سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد، مجری: پژوهشکده اقبال جهاد دانشگاهی مشهد.
- 0 صدیق اورعی، غلامرضا و اسکافی نوغانی، مریم (۱۳۹۵). «چگونگی گزارش ناامنی سیاسی به شاه در گلستان سعدی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۱، شماره ۳: ۱۸۱ - ۲۰۳.
- 0 طایفی، شیرزاد؛ سهرابی، زهره (۱۴۰۰). «نقد نشانه‌شناختی کارکرد آشوب در نظم در باب اول گلستان سعدی»، *مطالعات زبانی و بلاغی*، سال ۱۲، شماره ۲۶: ۲۸۵ - ۳۱۴.
- 0 قاسمی، علی (۱۳۹۹). «فهم مسئله اصلی اندیشه سیاسی سعدی»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۲، شماره ۲: ۴۱ - ۶۸.